واکاوی عوامل موثر بر توسعه و برابری در آموزش برای دستیابی به عدالت آموزشی

❖نگین غلامی[1*] ❖ شعیب ویسی[2]❖

صفحه : ۴۹-۲۰

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف واکاوی عوامل موثر برای توسعه و برابری جهت دستیابی به عدالت آموزشی است

روش: روش پژوهش کیفی از پارادایم تفسیر گرایی انجام شده است. برای بررسی تجارب زیسته ۱۶ نفر مشارکننده در پژوهش که شامل ۶ نفر از اساتید، ۷ نفرمعلمان و مدیران، ۳ نفر رئیس ادارات آموزش و پرورش و کادر آموزشی و اجرایی مدرسه بهره گرفته شده است. نمونه گیری به شیوه هدفمند و ملاکی و با معیار اشباع نظری انجام گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته گردآوری و با استفاده از روش پدیدارشناسی و با رویکرد تفسیری از نوع اسمیت تحلیل شدند و اعتبار دادها از طریق تایید پذیری، انتقال پذیری، باور پذیری و اطمینان پذیری صورت پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که عوما موثر بر توسعه و برایرس برای دستیابی به عدالت آموزشی به دو دسته تقسیم شدند: ۱- عوامل زیرساختی موثر که شامل تخصیص بودجه مخصوص برای جبران عقب ماندگی، هموار کردن مسیر برای مشارکت خیرین، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بهره‌گیری از تجربیات استان‌های موفق است و عوامل فرهنگی- احتماعی موثر شامل: برابر کردن فرصت مشارکت برای همه اقشار جامعه، توجه وافر والدین به اهمیت تحصیل فرزندان خود، همگام شدن با تغییرات اجتماعی و بزرگ شمردن ارزش و جایگاه نقش در مدرسه در جامعه را در برمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش تبیین‌گر این واقعیت است که تحقق عدالت آموزشی، نه یک اقدام تک‌بعدی، بلکه نیازمند پیوند راهبردی میانِ عوامل زیرساختی و عوامل فرهنگی-اجتماعی است. در حالی که توسعه زیرساخت‌ها مسیر را هموار می‌کند، غنای فرهنگی و مشارکت اجتماعیِ پایدار، ضامن استمرار این عدالت است؛ از این‌رو، سیاست‌گذاران برای برون‌رفت از نابرابری‌های آموزشی، باید الگویی یکپارچه را بر پایه تقویتِ همزمانِ منابع و ارزش‌های اجتماعی اتخاذ کنند.

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، توسعه و برابری، آموزش و پروش، عدالت اجتماع

■دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ ■ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

[1]-استادیار حقوق تخصصی، گروه علوم حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

n.gholami@uok.ac.ir

[2]. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

مقدمه

مسئله عدالت همیشه به عنوان گفتمان اصلی و حیاتی‌ترین عامل نهادهای اجتماعی مطرح بوده است. از آنجا که آموزش و پرورش و مدارش جزء نهادهای اجتماعی هستند، بحث عدالت در این محیط‌ها، یک نکته کلیدی است(Macleod, 2010) ;Bayat & Ghasemi, 2019. به طوری که یکی از موثر ترین راه‌های تحقق عدالت در جامعه، عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است و زمینه برخورداری افراد را از امکانات برابر آموزشی فراهم می‌آورد(Babadi Akasheh, Sharif & Jamshidian, 2010. در واقع نهاد آموزش و پرورش یکی از نهادهای پایه و موثر هر جامعه است که هم می‌تواند عاملی برای تحقق عدالت باشد و از آن نیز متاثر شود.

از این رو، هر جامعه‌ای مردم انتظار دارند، نظام آموزش و پرورش کارکردها و وظایف گوناگونی برای اعضای آن انجام دهد، از جمله این که جامعه را از طریق فراگرد آموزش و پرورش، به سوی زندگی اجتماعی بهتر و عادلانه‌تری سوق دهد(Alagheband, 2019). بر این اساس در کنار سایر نهادهای اجتماعی و اقتصادی، تامین عدالت در نهاد آموزش و پرورش نیز بیش‌ازبیش مورد توجه قرار گرفته است. به طوری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای تامین چنین آرمانی تصویب شد. از طرفی دیگر در واقع یکی از راه‌های تعریف عدالت، شناسایی بی‌عدالتی هایی است که دو منبع بی عدالتی مشهود، یکی ناشی از ساختار و اعمال سیستم آموزشی و دیگری ناشی زمینه اقتصادی، اجتماعی و قومیتی دانش آموزان است. توسعه عدالت در آموزش مشابه عدالت در تمام خدمات عمومی ناشی از احساس ذاتی انصاف، احساس قانونی طبیعی است که به ما می‌گوید همه اعضاء جامعه ارزش‌های برابری را در برابر قانون دارند و باید دسترسی مساوی به منافع آن جامعه داشته باشند(Sanagoo et al., 2011). همچنین عدالت آموزشی و تحقق آن، در سراسر جهان مسئله اساسی است و یکی از چالش‌های نظام آموزشی است، زیرا نقش مهم و قایل توجهی در رشد و توسعه کشورهه و بهبود شاخص‌های برایری و تعالی انسان‌ها دارد(Poshneh et al., 2019) همانطور که مصلحان اجتماعی با هر گرایش و در هر زمان و مکانی اتفاق نظر داشته‌اند که رسیدن به عدالت و ثبات اجتماعی مطلوب تنها با عبور از شاهراه عدالت آموزشی میسر می‌شود(Seydi, 2022) و هدف آن استانداردسازی، یکدست سازی قوانین عام و تعمیم‌پذیر در نظام یاددهی- یادگیری برای آموزش یکسان همه افراد بااستفاده از روش‌های عینی و علمی رفتارگرایانه است(Mohammadi & Hosseini Sadr, 2019) از ضعف‌های موجود در عدالت آموزشی می‌توان به عدم تناسب کتب درسی با فرهنگ، زبان و قومیت‌های مختلف، دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت، ضعف در تحقیق زمینه مناسب برای تحصیل بازمندگان از تحصیل، ضعف در توجه به تدریس ادبیات بر

اساس قومیت‌ها، ضعف در رعایت استانداردهای مربوط به تناسب دانش آموز و معلم، عدم رعایت نسبت فراگیر به تراکم و فضای کلاس، توزیع نابرابر نیروی های انسانی مجرب و ناعادلانه بودن منابع و امکانات مالی اشاره کرد(Poshneh et al., 2019)اما در محیط های آموزشی زمانی عدالت تحقق می‌یابد که یادگیرندگان از طریق دروندادها و فرایندها، بتوانند اهداف علمی، اعتقادی، اجتماعی و آموزشی را کسب کنند(Yamani et al.,2017). بنابراین عدالت محور شدن در ساختار و فرایند آموزشی از جمله ضروریات است. بنابراین مهم‌ترین اصول یا جلوه‌هایی که بر مبنای آن‌ها رعایت یا عدم رعایت عدالت نتیجه‌گیری می‌شوند شامل: تناسب بین دستاوردها با تلاش و سهمی که فرد داشته است، میزان سهم و مشارکتی که فرد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود و دیگران داشته است، داشتن حق برخوردهای محترمانه، رعایت ثبات و عدم تبعیض، برخوردها و تصمیمات برابر و بدون جانب‌داری، داشتن امکان اعتراض به شرایط نابرابر و ناعادلانه یا تصمیمات غلط، انتظار تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات جامع و دقیق، رعایت شرایط و نیازهای افراد تا حد امکان و تسلط معیارها و ارزش‌های اخلاقی در تصمیمات و رفتارهای طرف‌های تعامل هستند.

می‌باشد.

در سال‌های اخیر، اگرچه پژوهش‌های متعددی درباره نابرابری آموزشی انجام شده است، اما مرور پیشینه نشان می‌دهد که این مطالعات غالباً بر یک بُعد محدود از عدالت آموزشی متمرکز بوده و عوامل مؤثر بر آن را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند. بخش عمده‌ای از تحقیقات تنها به ابعاد فردی یا مدرسه‌ای پرداخته و ارتباط میان سطوح اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی را در شکل‌گیری نابرابری آموزشی نادیده گرفته‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌ها عمدتاً بر دسترسی ظاهری به آموزش تأکید داشته‌اند و کمتر به ارتباط میان توسعه آموزشی، کیفیت یادگیری و پیامدهای آموزشی به‌عنوان عناصر بنیادین عدالت آموزشی پرداخته‌اند.

در ادبیات بین‌المللی نیز اگرچه نقش عوامل جامعه‌شناختی، اقتصادی و محیطی در بازتولید نابرابری تأیید شده است، اما همچنان فقدان یک چارچوب جامع که بتواند توسعه آموزشی و برابری آموزشی را در کنار هم و در قالب یک مدل یکپارچه تحلیل کند، محسوس است. همچنین، تأثیر عوامل نوظهور مانند شکاف دیجیتال، تغییرات فناورانه، جغرافیای آموزشی و شرایط محیطی در بسیاری از مطالعات مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر با تمرکز بر واکاوی هم‌زمان عوامل مؤثر بر توسعه و برابری در آموزش و ارائه یک تحلیل چندسطحی، تلاش می‌کند خلأ میان مطالعات پراکنده موجود را پر کرده و چارچوبی

جامع‌تر برای تبیین عدالت آموزشی ارائه دهد. چنین رویکردی را می‌توان مهم‌ترین جنبه نوآوری این پژوهش دانست.

چاچوب مفهومی

سیر تطور تاریخی نشان می‌دهد که عدالت به عنوان نوعی ارزش، بازتاب وضعیت مطلوب جوامع بوده و چگونگی ترسیم این وضعیت مطلوب، مبنای شکل گیری نهادها، روابط، ساختارها و نظام تعاملی مختلفی در بین افراد بشر بوده است(Danaeifard & Jahromi, 2017) یکی از حوزه‌های اجتماعی عمل عدالت، حوزه تعلیم و تربیت است که به نحو مستقیم در وضعیت نهایی توزیع بهره‌مندی‌ها، فرصت‌ها و قدرت در جامعه تاثیر می‌گذارد و از سویی رشد فردی انسان‌ها را نیز متاثر از خود می‌سازد. از ابعاد تحقق عدالت اجتماعی در این حوزه تامین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش است که همه آحاد جامعه انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند(Shirkrami & Bakhtiarpour, 2014) برابری فرصت‌ها در بعد کلان نوعی نگاه انسان گرایانه و عدالت خواهانه را با خود به همراه دارد که غالبا به عنوان یک شاخص جامعه توسعه یافته در نظر گرفته می‌شود. اما در بعد خرد برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی ابزار سازوکاری است که موجب شکوفا شدن اندیشه‌های خلاق و امکان پرورش قابلیت را برای همه به طور مساوی تامین می‌کند(Mohammadi & Dehghan, 2003)

عدالت آموزشی عبارت است از فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برابر برای همه افراد واجب التحصیل، از ثروتمندترین افراد گرفته تا فقیرترین خانواده‌ها، اقلیت‌های قومی و زبانی مختلف و حتی کسانی به علت برخی ناتوانی‌های جسمانی یا ذهنی که نیازهای خاصی دارند. علاوه بر این فرایندی است که در آن باید تلاش کرد که موانع را محدود کنند و حضور همه افراد واجب التحصیل در نظام آموزش و پرورش برداشته شود تا موفقیت تحصیلی همه این افراد تضمین گردد (UNESCO, 2017). Dam (2020) ابعاد عدالت آموزشی را رویه‌ها، واکنش متقابل و توسعه فردی می‌داند و معتقد است برداشت‌های معاصر از عدالت آموزشی توزیعی است به این معنا که عملکرد توزیعی موسسات آموزشی نتایج صحیح را ارتقا داده و این رویه پاسخگوی اهداف رشد و پیامدهای آموزشی است و معتقد است هر جامعه عادلانه‌ای باید شرایط اجتماعی افراد را برای استفاده از منابع تامین کند و حمایت از توسعه روابط فردی را وظیفه قانونی دولت مردان می‌داند و برای رسیدن به این هدف باید از طریق توسعه روابط فردی از روابط متقابل حمایت کرده زیرا افراد در ارتباط متقابل با دیگران رشد می‌یابند(dams, 2020). برخی معتقدند که عدالت آموزشی به مسائل فرهنگی جوامع برمی‌گردد و با آن ارتباط مستقیم دارد (Kumar, 2018). Rigus & Swift (2014) فرصت‌های آموزشی برابری طلبانه را اینگونه تعریف می‌نماید" چشم انداز یک فرد برای پیشرفت

تحصیلی ممکن است تابعی از تلاش فردی او باشد، اما نباید تحت تاثیر طبقه اجتماعی و یا سطح استعداد او باشد" بنابراین عدالت آموزشی زمانی محقق می‌شود که موفقیت تابع موقعیت نباشد به این معنی که امکانات در همه سطوح به صورت برابر توزیع شود. (Eslami Herandi et al (2019.. بر این باورند که عدالت آموزشی شامل سه مضمون بسترسازی عادلانه، توزیع منابع، بهرمندی عادلانه از منابع و شایسته پروری است و برای تحقق عدالت آموزشی باید طرحی تدوین و برنامه‌ای اجرا شود که این سه مولفه را بصورت واقعی اجرا نموده تا فرصت‌های برابر آموزشی برقرار گردد. لازم به ذکر است که در صورت بی‌توجهی به مسئله مهم عدم وجود امکانات و تسهیلات آموزشی نابرابری آموزشی افزایش می‌یابد و تنها راه حل برای بسط و توسعه عدالت آموزشی و برابری فرصت‌های آموزشی می‌تواند هم به عنوان هدف و هم وسیله جهت تحقق اهداف بلند مدت توازن و برابری اجتماعی و اقتصادی مورد عنایت قرار گیرد. جدای از نظریه پدازی‌های کلی درباره عدالت آموزشی، سه عامل اصلی که موجب می‌شود که عدالت آموزشی به عنوان یک موضوع مستقل در نظر گرفته نشود، عبارتند از: جایگاه اصلی آموزش و پرورش در جوامع و فرصت‌های متعددی که عدالت آموزشی خلق می‌کند، کمبود فرصت‌های آموزشی با کیفیت؛ و نقش حیاتی دولت در ایجاد فرصت‌های آموزشی است (Shields et al., 2017).

نظام آموزش اثربخش، نیازمند عدالت آموزشی و اجتماعی است(Adams, 2016). باید گفت در یک نظام آموزشی که به لحاظ عدالت آموزشی متوازن است فارغ التحصیلان کسانی هستند که در آن نظام آموزشی، همگی آنقدر توانایی و قابلیت یافته‌اند که موثر و سازنده در موقعیت‌ها و چالش‌های مختلف زندگی مشارکت کرده و بتواند مشکلات خود و اطرافیانش را حل کنند(Bourdieu, 1986). همچنین در محیط‌های آموزشی زمانی عدالت محقق می‌شود که فراگیران از طریق درون داده‌ها در مدارس، بتوانند به اهداف علمی، اعتقادی، اجتماعی و آموزشی دست یابند(Yemeni & Eqbali, 2017). امروز اجماع جهانی بر این است که نظام‌های آموزشی دارای عملکرد بالا، کیفیت و عدالت را با هم تلفیق می‌کنند. به عبارتی دیگر در چنین نظامی فرصت‌های آموزشی با کیفیت برای همه دانش آموزان فراهم می‌گردد تا همگی تحصیلات خود را با موفقیت به پایان برسانند. بنابراین در یک نظام آموزشی که عدالت آموزشی در آن رعایت می‌شود آموزش و پرورش همه دانش آموزان به یک اندازه حائز اهمیت خواهد بود و باید تلاش شود هیچ دانش‌آموزی با شکست مواجه نشود. یکی از مقولات بسیار مهم در عدالت آموزشی، توسعه زیر ساخت‌های آموزشی مناسب و متوازن برای همه کشور است. این زیر ساخت‌ها از ساختمان مدرسه و تجهیزات سخت افزاری آن تا تامین نیروی انسانی متخصص، متعهد و متبحر را که مهم‌ترین آنان معلمان صاحب صلاحیت است، دربرمی‌گیرد. به‌روز کردن تسهیلات منابع و روش‌های آموزشی و پرورشی، مطابق

با پیشرفت‌ها و فناوری‌های روز جوامع انسانی نیز از دیگر مواردی است که باید برای ارتقای زیرساخت‌های آموزشی مورد توجه قرار بگیرد(Bourdieu, 1986).

پژوهشگران/سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
Qorayshi Khorasgani) (et al., 2020	بررسی وضعیت عدالت آموزشی در مدارس دولتی شهر تهران	در بخش کیفی تحقیق الگوی عدالت از سه بعد امکانات آموزشی، امکانات کمک آموزشی و تجهزات فیزیکی اما در بخش کمی نیز، وضعیت عدالت آموزشی، در مولفه های کمک آموزشی و تجهیزات فیزیکی پایین تر از حد متوسط و در مولفه امکانات آموزشی بالاتر از حد متوسط بوده است.
Ja'farlu & Afzoudeh,) (2021	الگوی توسعه عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی	نتایج در دو بعد کلی بستر بی عدالتی آموزشی و راهبردهای عدالت آمورشی، الگوی نهایی تحقیق را شکل داد. مفاهیم کلی بدست آمده در بسترهای بی عدالتی شامل امکانات، منابع آموزشی، تبعیض تحصیلی، قوانین، ویژگی های فردی، اساتید، محتوای درسی و مکان جغرافیایی است و راهبردهای عدالت آموزشی شامل شفافیت، توسعه ارزیابی ها، آموزش، توسعه محلی و تعامل است.
(Zarei et al., 2024)	شناسایی ابعاد و مولفه‌های آموزش مجازی مبتنی بر عدالت آموزشی	نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش مجازی مبتنی بر عدالت آموزشی شامل ۱۰ بعد (ساختاری، فرایندی، مدیریتی، زمینه‌ای، فردی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فراملی) می باشد همچنین مطرح شد که به تقویت آموزش به عنوان یک منفعت عمومی نگریسته شود چرا که آموزش و پرورش یکسان و برابر می‌تواند پناهی در برابر بی‌عدالتی و رشدو پیشرفت سرمایه‌های فکری کشور شود.
schouten(2023)	فرصت‌های آموزشی برابر: چه معنایی باید داشته باشد.	در حالی که دفاع‌های مختلفی در برابر چالش‌های مطالبه برابری فرصت‌های آموزشی ارائه شده است، استانداردهای

		قابل دفاع برای این تقاضای فرصت‌های آموزشی برابر با شفاف‌سازی معیارها و پاسخ به سوال " فرصت برابر یعنی چه؟" وجود ندارد دلایلی که ما برای اهمیت دادن به فرصت‌های آموزشی برابر داریم به میزان قابل توجهی این مجموعه را محدود می‌کند. هنگامی معیارهای خود را از فرصت‌های آموزشی برابر با دلایل خود برای اهمیت دادن به آن مقایسه می‌کنیم می‌بینم که طرفداران مطالبه‌گری برابری فرصت‌ها پاسخ قانع کننده‌ای برای مطالبه گری خود دارند.
Levin(2018)	بررسی سرمایه‌گذاری اقتصادی برای عدالت آموزشی	این پژوهش از نوع کیفی بوده و نتایج آن نشان داده است که سرمایه گذاری اقتصادی بر آموزش و فعالیت‌های آموزشی تاثیر گذار است.
Evans, junyoo & sipple (2010)	"زمینه اکولوژیکی پیشرفت دانش آموزان: تاثیرات کیفیت ساخت مدرسه در تحرک دانش آموزان"	کیفیت ساختمان مدارس در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان موثر است و همچنین کیفیت پایین ساختمان مدارس و نیز میزان تحرک بالای دانش آموزان می‌تواند به کاهش پیشرفت تحصیلی منجر شود.

روش شناسی پژوهش

مطالعه علمی حاضر از لحاظ هدف در حوزه پژوهش‌های کاربردی، و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش کیفی با ماهیت اکتشافی است. تحقیقات کیفی سعی در بررسی و درک یک وضعیت، واقعه و پدیده در محیط طبیعی دارد(Ezer & Aksut, 2021: 16). هدف تحقیق کیفی کشف و توصیف چگونگی رفتار و معنادار بودن آنهاست(Bozkurt & Ozturk, 2022: 248). بنابراین، گزارشات حاصل از تحقیقات کیفی ممکن است فرصتی را برای محققان کیفی فراهم کند تا کار خود را در فرآیندهای سیاست‌گذاری مورد توجه قرار دهند(Natow, 2022: 109). رویکرد تحلیل کیفی دارای روش‌های متعددی برای پژوهش و بررسی پدیده‌های آموزشی است که در این مطالعه از روش پدیدارشناسی با تاکید بر نوع تفسیری آن برای دستیابی مناسب به داده‌ها استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان معلمان اساتید دانشگاه، معلمان، مدیران،

معاونین آموزشی، ریاست ادارات آموزش و پرورش می‌باشد که معیار ورود مشارکت‌کنندگان (اساتید، معلمان و مدیران) باید نشان‌دهنده تجربه و دانش آن‌ها در زمینه‌های توسعه، برابری و عدالت آموزشی باشد. اساتید با حداقل ۵ سال سابقه تدریس در تحصیلات تکمیلی و سابقه پژوهشی در این حوزه، معلمان با حداقل ۱۰ سال سابقه در مقطع متوسطه که در مدارس با سطوح توسعه یافتگی گوناگون فعالیت دارند، و مدیران با حداقل ۷ سال سابقه مدیریتی و تجربه در اجرای برنامه‌های عدالت‌محور، می‌توانند اطلاعات ارزشمندی را ارائه دهند. این انتخاب‌ها به اطمینان از پوشش طیف وسیعی از عوامل مؤثر و چالش‌های اجرایی کمک می‌کند. که ۱۶ نفر از آنان به صورت نمونه‌گیری هدفمند از نوع مطلوب مورد مطالعه قرار گرفتند. انتخاب نمونه‌های پژوهش تا زمانی که اطلاعات کاملی به دست آمد و هیچ داده جدیدی از طریق مصاحبه اضافه نشد، ادامه یافت، به عبارت دیگر داده‌ها به اشباع رسیدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شد، زیرا به کمک آن، ارزیابی عمیق‌تر ادراکات و نگرش‌های مشارکت‌کنندگان و نیز بررسی موضوع‌های پیچیده و پیگیری پاسخ‌های آنان امکان‌پذیراست(Sarmad, Bazargan & Hejazi, 2017).

برای هدایت مصاحبه‌ها، پروتکلی حاوی سؤالات کلیدی تدوین گردید. نمونه‌هایی از این سؤالات عبارتند از:

چگونه می‌توان با ترویج فرهنگ ارزش‌گذاری بر تحصیل در میان تمامی خانواده‌ها، به ایجاد نگرشی مشترک نسبت به اهمیت آموزش برای همه فرزندان کمک کرد؟

تفاوت در کیفیت و ایمنی فضاهای فیزیکی مدارس (مانند فرسودگی ساختمان‌ها، کمبود امکانات بهداشتی، تراکم دانش‌آموزان در کلاس) چگونه بر فرصت‌های یادگیری و عدالت آموزشی تأثیر می‌گذارد؟

این سؤالات به عنوان نقطه شروعی برای گفتگو عمل کرده و بسته به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، سؤالات تکمیلی نیز مطرح می‌گردید.

جدول۲: مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش

ردیف	جنسیت	شغل	نوع انجام مصاحبه	سن	سابقه خدمت	میزان تحصیلات

۱	مرد	مدیر مدرسه	حضوری	۴۴	۱۵ سال	کارشناسی ارشد
۲	مرد	معلم	حضوری	۴۱	۱۳ سال	دکتری
۳	مرد	استادیار	حضوری	۳۶	۷ سال	دکتری
٤	مرد	معلم	حضوری	۴۰	۱۴ سال	دکتری
٥	مرد	دانشیار	حضوری	۴۵	۱۷ سال	دکتری
٦	مرد	رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه	حضوری	۳۹	۲۵ سال	کارشناسی ارشد
۷	مرد	استاد	حضوری	۴۹	۲۳ سال	دکتری
۸	زن	معاون آموزشی مدرسه	حضوری	۳۳	۱۸ سال	کارشناسی ارشد
۹	زن	استادیار	حضوری	۳۵	۸ سال	دکتری
۱۰	زن	معاون آموزشی اداره آموزش و پرورش	حضوری	۳۲	۱۷ سال	کارشناسی ارشد
۱۱	زن	استادیار	حضوری	۵۴	۶ سال	دکتری
۱۲	زن	معاون اداره	حضوری	۵۱	۱۵ سال	دکتری
۱۳	مرد	استاد	حضوری	۵۹	۲۰ سال	دکتری
۱٤	مرد	معلم	حضوری	۳۶	۲۶ سال	کارشناسی
۱۵	مرد	مدیر	حضوری	۴۳	۲۰ سال	دکتری
۱٦	زن	مدیر	حضوری	۵۸	۲۷ سال	دکتری

اعتباربذیری: اعتیار پذیری در روش های کیفی از طریق روش‌هایی چون بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان تضمین می‌شود. در این روش، یافته‌های اولیه و تفاسیر محقق به صورت دوره‌ای یا در پایان تحقیق در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار می‌گیرد تا صحت و دقت آن‌ها را تأیید کنند. همچنین، کدگذاری طولانی‌مدت و عمیق داده‌ها و غوطه‌وری در میدان تحقیق به محقق کمک می‌کند تا درک جامعی از پدیده مورد مطالعه به دست آورد و از سوگیری‌های احتمالی بکاهد.

انتقال‌پذیری: برای دستیابی به انتقال‌پذیری، محقق باید توصیفات غنی و با جزئیات از زمینه تحقیق، مشارکت‌کنندگان و فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها ارائه دهد. این امر به خوانندگان اجازه می‌دهد تا میزان ارتباط و انطباق یافته‌ها با موقعیت‌های دیگر را ارزیابی کنند.

قابلیت اطمینان: در تحقیقات پدیدارشناسی اسمیت، قابلیت اطمینان از طریق ثبت دقیق و مستندسازی کامل فرایند تحقیق حاصل می‌شود. این مستندات شامل یادداشت‌های روزانه محقق، رونوشت مصاحبه‌ها، کدهای اولیه و نهایی، و تصمیمات اتخاذ شده در طول تحلیل است. همچنین، توافق بین کدگذاران، در صورتی که بیش از یک کدگذار در تحلیل داده‌ها مشارکت داشته باشد، می‌تواند به افزایش قابلیت اطمینان کمک کند.

تأییدپذیری: تأییدپذیری از طریق همان مسیر ممیزی که برای قابلیت اطمینان ذکر شد، قابل دستیابی است. با ارائه مستندات کامل، خوانندگان و پژوهشگران دیگر می‌توانند فرایند تحلیل داده‌ها را دنبال کرده و اطمینان حاصل کنند که یافته‌ها بر اساس داده‌های واقعی و به شیوه‌ای منطقی استخراج شده‌اند، نه بر اساس سوگیری‌ها یا پیش‌فرض‌های محقق.

سوالات پژوهشی

۱- عوامل‌هایی که باعث می‌شود جریان توسعه و برابری در آموزش سرعت پیدا کنند و عامل تسریع در این مسیر هستند؟

۲- آیا این عوامل فقط به مواردی اشاره دارند که زیرساختی هستند یا شامل عوامل دیگری نیز می‌شود؟

یافته‌ها

آموزش و پرورش، سنگ‌بنای توسعه و تعالی پایدار هر جامعه‌ای است. آینده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور، مستقیما کیفیت آموزش و پرورش، ارتباط انسانی و زیرساخت‌های که آموزش و پرورش بر آن پایدار است گره خورده است. اما عدالت آموزشی در سال‌های اخیر یکی از پرچالش‌ترین و بحث برانگیزترین مباحث در حوزه آموزش و پرورش بوده است. اما همانطور که از تعریف آن مشخص است

عدالت آموزشی به معنای ایجاد امکانات لازم برای برخورداری تمام افراد دارای شرایط تحصیل از آموزش و پرورش با کیفیت و متناسب با استعدادها و نیازهای فردی و اجتماعی است؛ به طوریکه همه به صورت برابر از منابع آموزشی کشور استفاده کنند. تبعیض آموزشی و پرورشی منجر به بروز مشکلات بسیاری همچون شکاف طبقاتی، نارضایتی و نابهنجاری اجتماعی خواهد شد. برای جلوگیری از مشکلات این چنینی نیازمند توجه ویژه نهادهای اجتماعی مسئول به موضوع عدالت آموزشی هستیم. با عدالت آموزشی است که می‌توانیم استعدادهای موجود در سراسر کشور را شناسایی کنیم و پرورش دهیم. برای تحقق عدالت آموزشی، نخست باید حداقلی از آموزش را از نظر منابع آموزشی و مالی و انسانی فراهم آوریم. دیگر اقدام برای تحقق این امر ارائه آموزش‌ها بر اساس توانمندی‌ها و علایق افراد است.

جدول ۳: عومل زیرساختی موثر بر توسعه و برابری در آموزش برای دستیابی به عدالت آموزشی

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
دسترسی دانش آموزان به امکانات(ورزشی، رایانه‌ای، آزمایشگاهی)، انواع مشاوره‌ها(تحصیلی،توانبخشی، خانوادگی)، رفتن به سفرهای علمی- تفریحی، استفاده از بازی‌های رایانه‌ای-آموزشی، تجهیزات مختلف ورزشی، زمین‌های بازی(برای فوتبال، والیبال، میز تنیس و ..)، تازه و نو بودن تجهیزات، مجهز بودن کلاس‌ها به پرژوکتور و لب‌تاب و تخته‌های به روز، کلاس‌های بزرگتر برای دانش آموزان، افزایش درصد نسبت معلم به دانش آموز، با کیفیت بودن صندلی‌های دانش آموزان، رنگ‌آمیزی کلاس‌ها به طور متناسب، بافت بیرونی مناسب با ساختار مدرسه، افزایش ساخت مدارس نو، بازسازی مدارس کهنه	میزان دسترسی به امکانات تنوع تجهیزات اکولوژی مدرسه	تخصیص بودجه مخصوص برای جبران عقب ماندگی
تسهیل‌گری در فرایند گرفتن مجوز برای ساخت یا بازسازی مدرسه، حذف بروکراسی‌های زائد، نوید دهنده بودن آموزش به عنوان مرکز توسعه عدالت اجتماعی، سرمایه گذاری خیرین برای افزایش سرانه آموزشی، تشویق به افزایش مشارکت، تقویت بنیان‌های اجتماعی در آینده، هموار سازی مسیر عدالت آموزشی، نقش روز	قلمداد شدن خیرین به عنوان گنجینه اجتماعی شبکه سازی جهت گسترش زیرساخت‌ها همبستگی اجتماعی در راستای برابری و عدالت	هموار کردن مسیر برای مشارکت خیرین

افزون آنها در ساختن آینده، معماران فرهنگی جامعه، امیدی برای جبران نابرابری‌ها ، تسهیل‌گری به عنوان امور کلیدی و حیاتی جامعه، بهبود کیفیت فضاهای آموزشی، تسهیل دسترسی دانش آموزان به مدرسه به خصوص در مدارس، فراهم کردن فرصت‌های برابر آموزشی، کمک به پیشرفت آموزش و پرورش، کمک به رواج فرهنگ همکاری در بین مردم		
دستیابی زودتر به بازار کار، ایجاد فرصت‌های شغلی بهتر، افزایش توانمندی‌های فردی در مشاغل مختلف، بهبود خدمات رسانی رفاهی به مراکز آموزشی و مدارس، شناخت بهتر علاقه و استعداد دانش آموزان، صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌های دانش آموزان و مدارس، ارتقاء مهارت و دانش همراه با تحصیل دانش آموزان، توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، درک عمیق‌تر بازار کار، افزایش آگاهی نسبت به فرصت‌های شغلی مرتبط با رشته تحصیل خود، توانمند سازی نیروی انسانی جوان کشور، اگاهی نسبی نسبت به توانایی‌های خود،	آموزش های کاربردی و آزمایشگاهی توسعه آموزش‌های مهارتی	آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
لزوم بهره‌گیری از تجربیات این استان‌های موفق، انتقال تجربیات موفق، برگزار کردن دوره‌ها برای معلمان این استان دیگر، توسعه حس تابع نبودن موفقیت با مکان، تقویت حس اعتماد به‌نفس در میان دانش آموزان و کادر آموزشی استان‌های کمتر توسعه یافته، مقابله کردن با تمرکز گرایی، بهره‌گرفتن از معلمان جوان و توانمند، آموزش همراه با آزمایش، بازنگری در فرایند قبول شدن معلمان، نهادسازی برای توسعه آموزش فراگیر استانی، آموزش‌های تقویتی برای فراگری زبان‌های خارجی در مدارس برای همه دانش آموزان، برگزار کردن دوره‌های مشاوره تحصیلی برای والدین دانش آموزان، اجماع سازی تنوع فکری نخبگان استانی، لزوم اهتمام بیشتر برای	حمایت همه مسئولین استانی از آموزش و پرورش استفاده از نظرات معلمان موفق در فرایند تدریس تسهیل کردن شرایط برای بهره گرفتن آموزش های تقویتی	بهره گیری از تجربیات استان های موفق

آموزش در مناطق روستایی، مکانیسم‌های اصلاحی برای ارزشیابی‌های مختلف از دانش آموزان		

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزش و پرورش علاوه بر افزایش دانش و مهارت نیروی انسانی، تاثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی دارد. با توجه به برنامه هفتم که پیشرفت پنج هدف «ارتقای سرمایه انسانی»، «تامین کیفیت و عدالت آموزشی»، «جذب ماندگان از تحصیل»، «اصلاح نظام مدیریتی» و «تثبیت آموزش و پرورش به مثابه امر ملی» را دنبال می‌کند محور عدالت محوری به عنوان یکی از هدف‌های برنامه هفتم است که یکی از مهم‌ترین محورهای تثبیت کیفیت آموزش و پرورش است.

تخصیص بودجه مخصوص برای جبران عقب ماندگی

پیشرفت و توسعه کشور زمانی محقق خواهد شد که همه استان‌های کشور به طور همزمان از چرخه توسعه و رشد بهرمند شوند و مورد مهمی که باید به آن اهتمام لازم را داشت توجه بیشتر به مراکز کمتر توسعه یافته است. به همین دلیل باید در کشور ما نیز با وجود تلاش‌ها و زحماتی که انجام می‌شود باید از نظر جغرافیایی و جنبه‌های اقتصادی، کودکان ما در شرایط برایری برای بدست‌آوردن آموزش و رشد استعدادهای خود قرار بگیرند. به همین دلیل باید سیاست گذاری برای بهبود کیفیت آموزش، وجوب اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و تربیت نیروی انسانی متخصص و گسترش علوم و فناوری همچنین توجه به نیازها، شرایط و امکانات محلی و منطقه‌ای را مد نظر قرار بدهند. مشارکت کننده شماره (۱۳) مدیر ناحیه آموزش و پرورش با ۱۴ سال خدمت در روستا این چنین بیان می‌کند:«*بودحه های که به آموزش و پرورش اختصاص میدن فقط جوابگوی نیازهای روزمره ی ادارات است بنابراین مدارس و ادارات نیازهای زیادی من جمله مجهز کردن کلاس به تکنولوژی‌های به‌روز دنیا، بازسازی مدارس کهنه، ساخت مدارس نو، برگزار کردن کلاس‌های تقویتی و .. با این بودجه‌های که به آموزش و پرورش استان‌ها اختصاص میدهند ۱- خیلی کم است برای اینکه بتوانیم مدارس کهنه را بازسازی کنیم یا سرانه آموزشی استان‌ها را بالا برد به همین دلیل باید بودجه‌های خاصی را به این موارد اختصاص بدیم که علاوه بر توسعه و رشد فضاهای آموزشی استان به جبران کمبودها و عقب ماندگی های که در آموزش و پرورش استان‌های کمتر توسعه وجود دارد*».

فرهنگ سازی مشارکت خیرین

یکی از مواردی که در کشورهای توسعه یافته دنیا هم رواج و به عنوان یک واقعیت اجتماعی مود قبول است سنت وقف در آموزش و پرورش و آموزش عالی است الان چندین دانشگاه برتر دنیا با وقف بوجود آمده‌اند و ادامه داده‌اند بنابراین طبق محدودیت‌های که دولت در اولویت بندی بودجه دارد احتمالا به همه موارد زیرساختی در ساخت، تجهیز و بازسازی مدارس کهنه نمی‌تواند در وقت معین در برنامه هفتم برای توسعه آموزش و پروش دست یابد به همین دلیل ما باید از ظرفیت‌های مردمی برای رسیدن به توسعه استفاده کنیم. در حال حاضر در کشورهای که آموزش و پرورش آن توسعه یافته، سرانه آموزشی بالایی دارند، مدارس آن‌ها بزرگتر و مجهز به تکنولوژی‌های روز دنیا است بنابراین ما اگر بخواهیم با همین روند به توسعه آموزش و پرورش ادامه بدهیم خیلی از این کشورها و استاندارهای دنیا عقب می مانیم به همین دلیل سنت وقف و کمک‌های خیرین در این امر می‌تواند مدارس ما را از لحاظ زیر ساختی بهبود بخشد و برنامه هفتم برای توسعه آموزش و پرورش جهت عدالت محوری را تسهیل کند. یکی از مشارکت کننده شماره (۶) مدیر مدرسه با ۱۸ سال سابقه خاطرنشان کرد:*«سنت وقف یکی از کارهای بسیار خوب برای همه در امر مدرسه سازی و گسترش عدالت آموزشی برای همه جوامع است به این دلیل که دانش آموزان می توانند زودتر از آنچه که ممکن است به تجهیزات و اکولوژی که مناسب برای تحصیل است دست پیدا کنند به همین دلیل ما باید این هکاری را به نوعی فرهنگ سازی بیشتری بکنیم که بوانیم برای توسعه و بسط آموزش و پرورش همگانی استفاده کنیم تا از قطار توسعه که بعضی از کشورهای و الان شاید همه کشورها به اهمیت آن پی برده اند عقب نمانیم و پیشرفت آموزش و پرورش خودمان را تثبیت کنیم تا از آن بعد اثرات این پیشرفت را مکرر در همه امور کشور چه اقتصادی و چه اجتماعی و فرهنگی و مهم تر فردی برسیم».*

همچنین از طرفی دیگر اگر جامعه محلی به عامل تغییر تبدیل شود، نقشی سازنده و اساسی برای بهتر شدن تغییر خواهد داشت. قدرت‌های محلی آموزش از طریق تدوین اهداف منطقه‌ای یادگیری دانش‌آموزان، تدارک حمایت‌های ساختاری از تغییر (مانند سنجش منطقه‌ای، سیستم‌های مدیریت داده، پروتکل‌هایی برای استفاده از نشست‌ها)، ایجاد سرمایه انسانی و اجتماعی در بین معلمان، و ارتقاء فرهنگ کاربرد تغییر و اعتماد می‌توانند نقشی اساسی در کمک به مدارس جهت آغاز، اجرا و تداوم تغییر داشته باشند جامعه محلی، نیروها

و عوامل مختلفی دارد که خیرین مدرسه‌ساز یکی از آنها به شمار می‌روند و می‌توانند نقشی سازنده در تغییرات آموزشی داشته باشند.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای انتخاب رشته تحصیلی برای شناخت دقیق استعدادهای افراد، شناخت مهارت‌ها و توانمندی‌ها و تطبیق رشته تحصیلی با بازار کار از عوامل موثر پیشرفت و توانمندی افراد در برنامه هفتم توسعه آموزش و پرورش است که مد نظر قرار گرفته است. آموزش فنی و حرفه‌ای با ترکیب علوم نظری و تجربی، نقش مهمی در ایجاد سرمایه انسانی ماهر و حل مشکل اشتغال نیروی جوان را دارد. این آموزش‌ها به کارکنان مهارت‌ها لازم برای ورود به بازار کار را می‌آموزند و به بهبود فضای کسب و کار کمک می‌کنند. با پیچیده‌تر شدن مشاغل و پیشرفت تکنولوژی، اهمیت آموزش مهارت افزایش یافته است. برای توسعه جوامع، باید خلاء مهارت پر شود و استعدادهای جوانان شناسایی و شکوفا شوند. امروزه اشتغال زایی از طریق آموزش فنی و حرفه‌ای یک ضرورت است که باید با نگاهی بین المللی دنبال شود تا بدون اتکا به منابع نفتی، نقشی موثر در اقتصاد جهانی ایفا کند.

رشد و توسعه اقتصادی به شدت به اشتغال و توانمندسازی نیروی کار وابسته است. در این زمینه نباید از تاثیر مهارت آموزی بر اشتغال غافل شود. این نیروی کار برای دستیابی به فرصت‌های شغلی یا شروع کسب و کار نیازمند آموزش مهارت‌هاست. شما باید به دنبال مهارتی باشید که با کمک آن بتوانید وارد بازار کار شوید. در غیر این صورت، زمان زیادی را برای یک مسیر اشتباه هدر می‌دهید. انتخاب مهارت درست و دریافت آموزش‌های کاربردی در هر زمینه‌ای، فرصت‌های شغلی متنوعی را در دسترس شما قرار می‌دهد و منجر به استخدام سریع نیروی کار جدید و به دنبال آن تبعات اجتماعی و فرهنگی مثبتی برای جامعه را به دنبال دارد. در رابطه با همین موضوع مشارکت کننده شماره (۱۲) معلمی با سابقه بیش از ۲۵ سال بیان می‌کند:*« به نظر بنده باید به همه‌ی رشته‌های تحصیلی کارگاه‌های عملی و آزمایشگاهی اضافه کرد حتی به رشته‌های مثل ریاضی. چرا که در آینده برای او مشخث می‌شود که آیا به این رشته علاقه دارد و اگر علاقه داشته باشد مهارت‌های بیشتری در این زمینه کسب کند حتی در رشته‌های دانشگاهی، دانش آموزان و دانشجویان ما کمتر به کارهای عملی در بعضی از رشته‌ها مشغول هستند و این خود به نوعی ضرر برای جامعه ملی آموزش کشور به شمار*

می‌آید به همین دلیل ما باید برای تمامی مدارس آموزش‌ها فنی و کاربردی در نظر بگیریم تا دانش آموزان هم به بتوانند رشد مورد علاقه و هم راستا با استعداد خود را پیدا کنند و هم مهارت‌ها و توانایی های در حین ورود به دانشگاه و بعد از آن به حین ورود به بازار کار کسب نمایند. بنابراین هم توانایی دانش آموزان را کشف کردیم هم اعتماد به‌نفس دانش آموزان افزایش پیدا کرده و هم به گسترش توانایی‌های دانش آموزان و نیروی کار توانمند جدید برای بازار کار را آماده می‌کنیم که در نتیجه‌ی آن تولید داخلی بیشتر، گسترش کارخانه‌ها و شهرک‌های صنعتی و بمابعد آن رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد».

بهره گیری از تجربیات استان های موفق

برای دستیابی به عدالت آموزشی در همه استان‌ها به‌خصوص استان‌هایی که درصد پایین‌تری از لحاظ دسترسی همگانی به آموزش دارند باید علاوه بر حمایت بیش از بیش آموزش و پرورش برای افزایش سرانه آموزشی نیازمند حمایت های بیشتر همه ادرات استان(استانداری، نمایندگان مردم در مجلس، بنیاد مسکن، اداره نوسازی مدارس، بنیاد مسکن، اداره اوقاف، سازمان بودجه و برنامه‌ریزی استان) برای افزایش سرانه آموزش به خصوص در مناطق روستایی است. در استان‌های به لحاظ آماری در آموزش و پرورش موفق‌تر عمل کرده‌اند بررسی شده است که علاوه اهمیت دادن بیشترم مردم منطقه و حساس بودن آن‌ها نسبت به این امر، همه مسئولین استانی اهتمام بیشتری را در مورد آموزش و پروش صرف کرده‌اند و با پیگیری‌های مداوم از وزارتخانه دنبال‌رو پیشرفت آموزش و پرورش استان بوده‌اند. یکی دیگر از تجربیاتی که حائز اهمیت است تسهیل گری وقف استانی برای مردم ساکن استان جهت ساختن مدارس تازه و نو است که علاوه بر فرهنگ سازی باید از این افراد نیز حمایت کرد. بنابراین برای رسیدن به توسعه و بسط عدالت آموزشی در سطح استان نیازمند بسیج همگانی مردم و مسئولین در همه سطوح استان هستیم در همین مورد مشارکت کننده شماره (۸) یکی از مسولین آموزش با سابقه ۱۷ سال خدمت این چنین بیان می کند:*« من همیشه گفته‌ام که باید همه دست به دست هم بدیم و برای آموزش و پرورش استان کاری انجام بدیم نمی‌شود که فقط انتقاد کرد بلکه گوشه‌ای از این انتقاد متوجه ما خواهد شد باید اول از همه مسئولین استانی در وزارتخانه تمامی تلاش خود را برای جذب بودجه انجام بدند و استان‌های دیگری را مد نظر قرار بدند و از تجربیات این استانها درس بگیرند از معلمانتوانمند این استان ها بهره بگیرند از خیرینی که فرایند توسعه آموزشی را در این استان ها سریع‌تر کرده اند همه و همه این‌ها می‌تواند برای ما تجربه‌ی خوبی برای رسیدن به جبگاه مطلوب آموزشی در استان‌ها و کشور باشد».*

جدول۲: عوامل فرهنگی- اجتماعی موثر بر بر توسعه و برابری در آموزش برای دستیابی به عدالت آموزشی

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
کاهش نرخ ترک تحصیل، آفزایش انگیزه نسبت به تحصیل برای همه دانش آموزان، ابتکار عمل برای دانش آموزان، درونی‌تر شدن یادگیری برای همه‌ی دانش آموزان، تشویق به افزایش مشارکت والدین و صاحب نظران همه اقوام، محترم شمردن نظرات مشارکت‌کنندگان، استقبال کردن از پیشنهادهای موثر، اولویت دادن به نظرات فرهنگ‌های مختلف در ارتباط با برنامه‌درسی خود، توسعه حس تعلق به آموزش همگانی کشور، تعلیم معلمان با ویژگی‌های فرهنگی مختلف، بهره‌گرفتن از معلمان توانمند بخصوص در روستاها، لزوم توجه به تفاوت‌های فرهنگی مختلف، همراه کردن مردم با آموزش	تدوین برنامه درسی مبتنی بر فرهنگ تشویق به افزایش مشارکت همگانی تلقی کردن حس ارزشمندی نسبت به نظرات	برابر کردن فرصت ها برای همه اقشار جامعه
عدم سهل‌انگاری در توجه به اهمیت تحصیل دانش آموزان، پیگیری مداوم از وضعیت تحصیلی دانش آموزان، ارتباط با انجمن اولیاء مدرسه، قدردانی از معلمان و کادر آموزشی مدرسه، لزوم احترام به نقش و جایگاه معلم، تاثیر گذاری بر ابعاد مختلف شخصیتی، عاملیت موثر در تغییر رفتار، هماهنگی و تعامل بین خانه و مدرسه، گسترش همکاری مدرسه و خانواده، حمایت عاطفی والدین از بچه‌ها، افزایش اعتماد به‌نفس دانش آموزان، کاهش مشکلات یادگیری دانش آموزان، کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان، تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان، مدرسه محور بودن با همکاری خانواده، بهینه‌سازی در زمان و انرژی کادر آموزشی مدرسه و خانواده دانش آموزان، درک مسئولیت حرفه‌ای نقش والدین در اثر گذاری بر مدرسه، استفاده نکردن از تشویق مادی،	بهینه‌سازی پیشرفت دانش آموزان بهبود اوضاع مدرسه	توجه وافر والدین به تحصیل فرزندان خود
افزایش تمایل برای حضور در دانشگاه و دانشجو شدن، همگام شدن با انقلاب فن‌آوری و ارتباطات، آماده کردن دانش آموزان برای دنیای بدون محدودیت زمانی و مکانی، آموزش و پرورش موثرترین ابزار برای مقابله با چالش‌ها، توسعه دانایی دانش آموزان، استفاده از پارادایم‌های جدید برای جذب دانش آموران، تنوع مطالب اجتماعی برای دانش آموزان، تقویت فرهنگ پژوهش دانش آموزان، ترغیب آنها برای کسب یادگیری	تغییر نسل اهمیت علاقه دانش آموزان برای کلاس آموزش و پرورش دانایی آفرین	همگام شدن آموزش با تغییرات اجتماعی

زبان‌های خارجی جدید با استفاده از بازی های رایانه‌ای، هم‌اندیشی با دانش آموزان برای تغییرات در مدرسه، محصول بودن آموزش از منابع آموزشی، اجتماعی و اقتصادی، ترسیم آرمان شهر کسب دانش متناسب با علایق دانش آموزان		
حمایت بیشتر دولت از مدارس دولتی، حقوق متناسب با کرامت و منزلت معلم، تربیت مدیران و معاونان اجتماعی، حمایت دولت و وزارتخانه از نقش و کرامت معلم، احترام بیشتر آحاد جامعه به معلم، ترویج احترام به معلمین در قسمت‌های مختلف رسانه دولت، حمایت رفاهی دولت از معلمان، همکاری والدین برای افزایش کیفیت مدارس، تشویق دانش آموزان به بزرگ شمردن جایگاه معلم خود، کمک جامعه برای حفظ رسالت مدرسه، حمایت دولت برای تربیت دانش آموزان مسئول برای جامعه، سازگاری بیشتر نهادها اجتماعی و مردم نهاد با مدارس، تلاش جامعه برای تغییر نگرش‌های کم شمردن جایگاه مدرسه، تقویت اعتماد به نفس معلمین با القای احترام اجتماعی	تقویت جایگاه مدرسه به عنوان نهاد اجتماعی کلیدی ارتقای منزلت و حمایت از معلمان برای تحقق عدالت آموزشی	بزرگ شمردن ارزش و جایگاه نقش مدرسه در جامعه

با توجه به رشد جمعیت در دهه‌ها گذشته، کم‌تر کسی از ضرورت نقش مردمی و مشارکت مردمی که می‌تواند مشکل‌گشای آموزش و پرورش باشدو نقش که وظیفه تمامی آحاد جامعه است و اگر ما به آموزش و پروش بالنده و سرافراز می‌اندیشیم، نمی‌توانیم به سادگی از این مهم بگذریم. امروزه مشارکت در امر آموزش و پرورش وظیفه کل جامعه است، زیرا نظام‌های آموزشی در جهان با وظیفه بسیار بزرگ و مهم آموزش بهتر و بیشتر مواجه شده‌اند. در این کشاکش، آموزش در وادی تنهایی دست و پا می‌زند و فاقد ابزار کافی است. این در حالی است که توسعه همه جانبه هر کشوری مرهون توسعه منابع انسانی آن کشور است.

برابر کردن فرصت ها برای همه اقشار جامعه

فرصت برابر نیاز اصلی جامعه است باید تصمیم‌گران که در سطوح بالای تصمیم‌گیری در وزارتخانه و شورای عالی فرهنگی هستند، این مهم را در نظر بگیرند هنگامی که نظرات و فرهنگ بومی مردم در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش لحاظ می‌شود به صورت هماهنگ مردم و مسئولین استانی نسبت به درست اجراء کردن برنامه‌های آموزش و پرورش احساس مسئولیت می‌کنند و این احساس مسئولیت به والدین و کادر آموزشی مدارس و حتی به دانش آموزان منتقل می‌شود. و این خود زمینه ساز عدالت محوری و عدالت

آموزشی است. هنگامی که همه مردم از طرف نمایندگان منتخب خود اجازه اظهار نظر و دخیل کردن فرهنگ خود را در قانون و چارچوب‌های آموزش و پرورش داشته باشند، در نتیجه اثرات سازنده آن که باعث افزایش رضایتمندی اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس مردم، نزدیک‌تر شدن دولت به مردم و بعد از آن اثرات و تبعات اجتماعی مثبت و درونی بر همه بخش‌های جامعه حاکم خواهد شد. در این مورد یکی از رئیس ناحیه‌های آموزش با سابقه ۲۵ سال خدمت چنین بیان می کرد:*« آموزش و پرورش نباید به جوری تلقی بشه که جدا از مردم است چرا که کاملا بر عکس است چونکه یکی از وظایف خطیر و مهم آموزش و پرورش حفظ سنت و تاریخ و فرهنگ یک جامعه است و این فرهنگ که مشخصه اصلی جامعه است واز دل مردم برخواسته است و این نیز همین مردم هستند که توانایی حفظ آن از شیوه‌ها و طریق مختلف بلدند بنابراین باید مردم و نظرات نمایندگان این مردم در اولویت قرار بگیرد و نکته مهمی که در بعضی مواق مطرح می‌شود فرصت‌های یکسان برای تمامی نمایندگان استان‌ها باید به صورت برابر باشد به همین دلیل اگر خدای نکرده مردم چیز دیگری را احساس کنند و در اولویت بندی وزارتخانه بحث برتری یک قشر بر قشر دیگری باشد این به نوبه‌ی خود اثرات منفی بر جامعه خواهد گذاشت به همین دلیل باید این حس و این اطمینان به مردم و نمایندگان آن‌ها داده القا شود همه در جامعه به طور یکسانند و این نیز در عمل اثبات شود تا که شاهد پیشرفت آموزش و پرورش در همه ابعاد جامعه و در راستای آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته نیز رشد داشته باشیم».*

اهمیت و توجه دو چندان والدین و برای مشارکت آنها

یکی از مواردی که شاید در نگاه اول ساده به‌نظر برسد اما اهمیت آن به مراتب بیشتر است و اکثر عوامل زیرساختی و فرهنگی- اجتماعی تحت تاثیر این مورد قرار می گیرند چرا که اشتیاق وافر اولیا، ضرورت تشریح شیوه صحیح و راهکارهای درگیری یا نقش آفرینی والدین در امور تحصیلی فرزندان دوچندان می کند. از طرف دیگر کسب اطلاعات بیشتر در مورد نحوه‌ای که والدین می‌توانند بر موفقیت تحصیلی فرزندان اثر گذار باشند، می تواند انگیزش خود اولیا را برای مشارکت در زمینه تحصیل فرزندان را افزایش دهد؛ چرا که بسیاری از اولیا در اثر بی اطلاعی از روش‌های حمایت از فرزندان، حالتی انفعالی به خود می گیرند. در حالیکه والدین بازوی توانمند معلم و مشاور برای نیل به اهداف آموزشی و ترتیبتی به حساب می آیند. لذا لازم است که در جهت اعتلای سطح دانش این ظرفیت موجود، حداکثر تلاش خود را به کار

بندیم. همچنین اگر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تحصیلی را که بررسی می‌کنیم به این مهم پی می‌بریم که خانواده نقشی بی بدیل در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. که اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌ها از خانواده به عنوان عاملی بسیار مهم در وضعیت تحصیلی فرزندان یاد کرده‌اند. از طرف دیگر، نهاد آموزش و پروش برای تحکیم آموخته‌ها و تربیت دانش‌آموزان با انگیزه به همکاری و مشارکت خانواده نیاز دارد. که این مشارکت والدین در تحصیل فرزندان شامل مواردی از جمله: ارتباط والدین با مدرسه، مشارکت والدین در انجام تکالیف، آرزوی تحصیلی والدین، استفاده از تشویق کلامی، استفاده نکردن از تشویق مادی و قابل انتظار و آگاه بودن از وضعیت تحصیلی فرزندان است. در رابطه با این موضوع یکی از اساتید دانشگاه که سابقه طولانی پژوهش در حیطه تعلیم و تربیت مدرسه را دارد چنین بیان کرد:« *ما نباید نقش والدین در پیشرفت آموزش و پرورش مان را دست کم بگیریم در اکثرا کشورهای پیشرفته والدین خیلی به این مهم توجه می‌کنند شاید در کشور ما هم این توجه تا حدودی از طرف والدین باشد اما حالت مستمر و همیشگی را ندارد بنابراین باید نسبت به همه موارد مربوط به تحصیل فرزندان خود توجه و پیگیری لازم را داشته باشند. پیشرفت آموزش و پرورش هر کشور توسعه یافته‌ای یک شبه اتفاق نیفتاده است بلکه اول از همه از خود دانش آموز و والدین و عوامل آموزشی مدرسه شروع می‌شود و بعد به عوامل زیرساختی در مدرسه و جامعه منتقل می‌شود برای همین ما باید والدین دانش آموز را آگاه و بصیر کنیم و این چشم انداز را به آن‌ها بدهیم که نقش آن‌ها در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود و مابعد آن در پیشرفت کشور اهمیت زیادی دارد و پایه‌ی آن به شمار می‌آید*».

همانطور که مطرح شد والدین نخستین مربیان و الگوهای فرزندان و تاثیر آن‌ها بر یادگیری، فراتر از نمره‌ها و تکالیف است. حضور فعال والدین در مسیر تحصیلی فرزند باعث می‌شود دانش آموز با اعتماد به نفس و انگیزه بیشتر به یادگیری ادامه دهد، و مهارت‌های خود تنظیمی و مدیریت زمان را بهتر توسعه دهد و توانایی مقابله با چالش‌ها و استرس‌های تحصیلی را پیدا کند در نتجه عملکرد بهتری در تحصیل و در زندگی پیدا خواهد کرد.

همگام شدن آموزش با تغییرات اجتماعی

آموزش و پرورش از یک سو در راس عوامل تغییر پذیر قرار دارد و از سویی خود مجرایی مهم در ایجاد تغییر در جامعه می‌باشد. در این خصوص آمده مسئولیت معلم یا مدرسه در این است که تغییر متناسب با

زندگی فرد و ارتباط آن را با جامعه‌ای که خود جزء آن است بشناسد. بدین معنا که روش‌ها و شیوه‌های فکری و میدان اجتماعی آن‌ها را یابد و بداند برای تغییر سریع و پیشرفت جامعه‌اش چه منابع انسانی، موجود و ضروری هستند. مهم‌ترین عامل در تغییر و تحول در کیفیت آموزش و پرورش بستگی تام و تمام به کیفیت معلمان دارد. بنابراین باید معلمان همگام با تغییرات سریع جامعه خود را به‌روز کنند تا در مقابل این تغییرات به بهترین نحو برای آموزش استفاده کنند.

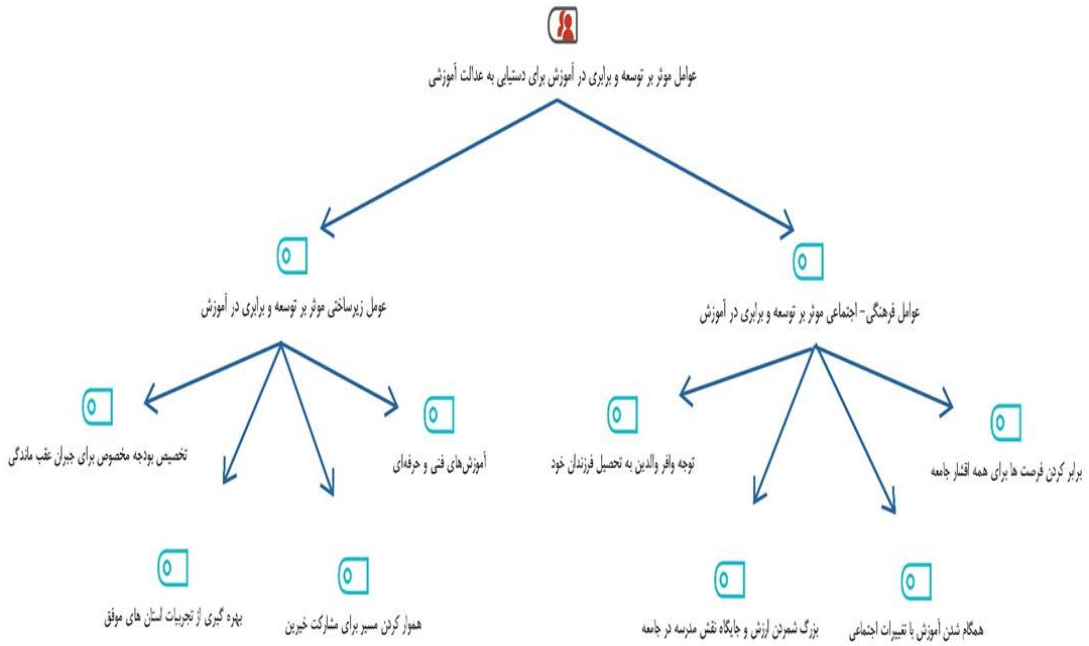
عدالت آموزشی فقط در اجرا یا محیط نیست بلکه باید با تغییرات اجتماعی هماهنگ باشیم تا بتوانیم به نوعی همانطور که مشخص است دورهای از سنین جوانی دانش آموزان در مدرسه سپری می‌شود که این دوره ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی دارد که باید مدرسه برای این چالش‌های که نوجوانان با آن روبه‌رو هستند به خوبی درک کند و برای آن برنامه‌های مشاوره تدارک ببیند.

نوجوانی دوره‌ای حساس در زندگی هر فرد است که تغییرات جسمی، عاطفی و شناختی متعددی در آن اتفاق می‌افتند. موفقیت در تحصیلات نقش اساسی در این مرحله ایفا می‌کند، زیرا پایه و اساس موفقیت شغلی و آینده فرد را دارد. با این حال، نوجوان در مسیر تحصیل خود با چالش‌هایی بی‌شماری مواجه می‌شوند که انگیزه و رشد آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از طرفی دیگر پرداختن به چالش‌ها و راهکار حل مشکلات تحصیلی نوجوانان، نیازمند تلاش مشترک مربیان، والدین، جامعه و آگاهی بخشی به دانش آموزان است. فراهم کردن محیط آموزشی، حمایتی و پرورش دهنده، اجرای راهبردهای آموزشی موثر، ارائه خدمات مشاوره درسی و روانی، پشتیبانی موثر، ترویج رویکرد متعادل به آموزش و تشویق ارتباط با دانش آموزان از گام ضروری برای کمک به نوجوانان برای غلبه بر چالش‌ها و موفقیت در فعالیت‌های تحصیلی است. یکی از مدیران مدارس که ۲۰ سال سابقه خدمت دارد با اطمینان اینگونه مطرح می‌کند:« *نوجوانان و جوانان این دهه یا به اصطلاح نسل z در دنیایی قرار گرفته‌اند که عصر تکنولوژی و تغییرات زودگذر جامعه است که این تغییرات حتی اگر در آن طرف دنیا هم باشند بازهم خیلی زود به دور دنیا سرایت می‌کند و این تغییرات لزوما همه مثبت نیستند و جوانان نیز در مقطع خیلی حساسی اند و خیلی هم زود تحت تاثیر قرار می‌گیرند و قدرت تشخیص خوب و بد را به صورت خیلی روشن ندارند به همین دلیل باید این‌ها را پیش بینی کرد و باید برای آن برنامه داشت. یکی از موارد دیگری که اهمیت زیادی دارد جذاب کردن آموزش برای فرزندان این زیست بوم است تا در مقابل تغییرات اجتماعی که اکثرا برای این دانش آموزان جذاب است ولی جنبه‌های منفی زیادی برای آینده ی این بچه‌ها را دارد مسلح کنند. پس بنابراین باید آموزش مطابق با تغییرات اجتماعی که در جامعه اتفاق می‌افتد سازگار و به‌روز باشد».*

بزرگ شمردن کرامت ومنزلت مدرسه در جامعه

یکی از مواردی که امروزه در برخی از قسمت‌های جامعه با آن مواجه هستیم، نادیده گرفتن یا کم شمردن نقش خطیر و برجسته اجتماعی مدرسه است؛ به‌ویژه در جوامعی که خواهان رسیدن به عدالت آموزشی و توسعه هستند. در همین راستا، تعدادی از مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که امروزه در کشورهایی که جامعه محلی به آموزش و پرورش و به‌تبع آن به مدرسه اهمیت زیادی قائل می‌شوند، مدارس عملکرد موفق‌تری دارند. به عنوان مثال، در آسیای شرقی، کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و چین در این زمینه عملکرد بهتری از خود نشان داده‌اندداردند.که این احترام اجتماعی که جامعه محلی برای کادر آموزشی قائل است بر بروی دانش آموز تاثیر می‌گذارد در نتیجه این اقدام دانش آموز هم اهمیت علم را درک می‌کند هم برای معلم خود ارزش بیشتری قائل است و برای موفقیت خود نیز بیشتر تلاش می‌کند. هنگامی معلم و سایر کادر آموزشی همچنین احساسی رو از جامعه دریافت کنند روزبه‌روز برای پیشرفت خود و کیفیت مدرسه تلاش می‌کنند. به این دلیل است که کیفیت خوب معلمان دانش آموزان با کیفیتی را تربیت می‌کند. اما اگر در جامعه این نقش و جایگاه آموزش و پرورش و معلم را نادیده بگیرند قطعا کیفیت فرایند تدریس- یادگیری پایین می‌آید و برای آن کشور شکست به شمار می‌آید. به همین دلیل است شما اگر بهترین زیر ساخت‌ها را برای همه مدارس نیز تدارک ببیند تا وقتی که فرهنگ اجتماعی را همراه با این زیر ساخت تقویت نکنید با موفقیت همراه نخواهد شد اگر هم موفق شود مقطعی است و ماندگار نخواهد بود. در این رابطه یکی از اساتید که در حوزه علوم اجتماعی چندین سال است پژوهش انجام می‌دهد با تاثر چنین بیان می‌کند:« *به نظر ینده توسعه و عدالت آموزشی هنگامی اتفاق می‌افتد که شما این دو مفهوم توسعه و عدالت را به درستی و به خوبی درک کرده باشید و برای آن هزینه بکنید. این هزینه فقط شامل هزینه مادی نیست بلکه شما با حرف‌هاتون و عمل‌تون ثابت کنید که چه هدفی دارید و باید برای آن چکاری رو انجام بدید. عدالت آموزشی فقط با حمایت دولت میسر نخواهد شد بلکه همه مردم جامعه موظفند که اول عدالت را در خانه خود رعایت کنند و بعد این عدالت به بیرون از خانه سرایت می‌کند. بنابراین وقتی می‌بینم جایگاه معلم در اجتماع تزلزل پیدا کرده باید آن را دوباره با رفتارمون در جامعه و در برخورد با معلمان اصلاح کنیم بنابراین در جامعه‌هایی که به دنبال عدالت آموزشی هستند باید این اقدام اول در جامعه محلی اتفاق بیفتد و مردم*

واقعا خواهان عدالت و پیشرفت در آموزش و پرورش و جامعه باشند و بعد مسیر دستیابی به هدف روشن‌تر و هموارتر از همیشه خواهد شد».



شکل۱: مدل نهایی بدست آمده از واکاوی عوامل موثر بر توسعه و برابری در آموزش جهت دستیابی به عدالت آموزشی

بحث و نتیجه‌گیری

ناترازی میان استعدادهای فرزندان و فرصت‌های بالندگی که نظام رسمی آموزشی – اغلب به‌صورتی ناآگاهانه – از آنان سلب می‌کند، به‌ویژه در مواجهه با نسل زد، موجب شده است امید و آرزوهای نوجوانان و جوانان به احساس ناامیدی و یأس تبدیل شود. این شیوه اداره امور فرهنگی و آموزشی و تدوین طرح‌های کلان مداخله در سرنوشت عموم مردم، بدون اتکا به مطالعات جدی، داده‌های به‌روز درباره نسل زد و شواهد واقعی، نه‌تنها کمکی به توسعه نمی‌کند، بلکه به بی‌عدالتی و بازتولید شدید طبقات اجتماعی از طریق نظام

رسمی آموزش کشور و توزیع نابرابر فرصت‌های آموزشی و ارتقای اجتماعی بدون توجه به شایستگی و استحقاق افراد دامن می‌زند.

در چنین شرایطی، بازطراحی سیاست‌های آموزشی متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای نسل زد ضرورت دارد؛ از جمله بهره‌گیری هدفمند از فناوری‌های نوین برای کاهش شکاف آموزشی، مشارکت دادن خودِ نوجوانان در فرآیند تصمیم‌سازی آموزشی، و ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان برای تعامل مؤثر با نسل جدید. عدالت آموزشی و دسترسی برابر و به‌موقع همه گروه‌ها خصوصاً نسل زد در مناطق و طبقات مختلف اجتماعی به فرصت‌های باکیفیت آموزشی، یک اصل بنیادین در نظام حکمرانی است و مقدمه تحقق عدالت اجتماعی به شمار می‌آید. به همین دلیل، عدالت اجتماعی و آموزشی، به‌ویژه در ارتباط با نسل زد، از کلیدی‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل امروز کشوراست.

در عدالت آموزشی باید با استفاده از روش‌های مختلف، تخصیص منابع به گونه‌ای منطبق با اهداف(دانش آموز، عملکرد و نتایج) پیش برود. در عدالت آموزشی، صرفا دسترسی آموزشی مد نظر نیست بلکه کیفیت دسترسی و کیفیت فرصت‌های یادگیری و نیز برخورداری مخاطب و دانش آموز از فرصت‌های یادگیری کیفی باید مد نظر قرار بگیرد. در تحقیقات پژوهشی منظور از عدالت آموزشی، تدراک و فراهم آوردن فرصت‌های برابر، متناسب با نیازهای ویژه هر فرد است. زیرا اعضای جامعه از نظر دانش، تجارب زیسته، مهارت‌ها، توانایی، انواع یادگیری، سابقه خانوادگی و فرهنگی و نیازهای آموزشی با هم متفاوت هستند. فرصت برابر به جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض‌هایی اشاره می‌کند که ممکن است بین اعضای جامعه از نظر جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سن و سال، زبان و طبقه اجتماعی وجود داشته باشد.

پژوهش حاضر با هدف مطالعه عوامل موثر بر توسعه و برابری در آموزش برای دستیابی به عدالت آموزشی است که در این پژوهش به طور کلی از نظر خبرگان دو عامل بسیار مهم که از عومل اثرگذار برای دستیابی به عدالت آموزشی مطرح کرده‌اند که این موارد شامل: عامل زیرساختی و عوامل فرهنگی- اجتماعی است. در این پژوهش سعی شده است که فقط به عوامل زیرساختی و اکولوژی مدرسه توجه نشود بلکه عواملی فرهنگی- اجتماعی که لازمه دستیابی به عدالت آموزشی در مدارس و استان‌های کشور است را تشریح کند. اکثر پژوهش‌های مثل Bush & Middlewood(2005) و Hosseininasab at al (2013) و همچنین Hosseinivaez at al (2017) خاطر نشان کرده‌اند که بیشتر برای دستیابی به عدالت آموزشی به محیط و امکانات مدرسه اشاره کرده‌اند اما در این تحقیق علاوره بر زیرساخت ها و منابع و امکانات بیشتر به عوامل فرهنگی و اجتماعی که باعث می‌شود فرایند عدالت به صورت خودجوش و مردمی رخ بدهد و منتظر یکی دیگر نباشیم که این رخداد را برای ما اجرایی کند به همین دلیل عدالت از دل جامعه

برمی‌خیزد و شکل اجتماعی و همه‌گیری به خود خواهد گرفت. همچنین پژوهش حاضر همسو با تحقیق (Shirkrami & Bakhtiarpour, 2014)است چرا که در امتداد پژوهش آن‌ها به بررسی عوامل موثر مختلف در عدالت آموزشی و هچنین دستیابی به عدالت در آموزش است. همانطور که در تحقیق Eslami Herandi, M., et al(2019) به آن اشاره شده است باید دستیابی به عدالت در آموزش را ملموس‌تر کرد که همسو با این پژوهش است اما در این تحقیق گامی فراتر برداشته شده است تا دستیابی به عدالت در آموزش به جریانی پایدار در آموزش کشور شود. اما نکته در این است که ما به عنوان شهروند چه وظایفی را باید بر عهده بگیریم تا به شکل یک شبکه و گسترده این آگاهی را ایجاد کنیم که عدالت را باید افراد برای خود به‌دست آورند و ظایفی را نیز باید بر عهده گیرند که با این طریق است می‌توان عدالتی ایجاد کرد که به صورت پایدار در جامعه محقق شود و مستمر و ادامه‌دار باشد. اگر ما فقط تمرکز خود را به روی اکولوژی و محیط مدرسه قرار دهیم با وجود عصر تکنولوژی و ارتباطات امروزی مطمئن به صورت مقطعی می‌توانیم به هدف خود دست می‌یابیم که در ادامه چندین پیشنهاد اجرایی برای مسئولین و سیاستمداران فعال در این حوزه ارائه می‌شود.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که عوامل موثر بر توسعه و برابری در آموزش برای دستیابی به عدالت آموزشی به دو دسته عوامل موثر زیرساختی و عوامل فرهنگی اجتماعی موثر برای دستیابی به عدالت آموزشی تقسیم می‌شوند. عوامل زیرساختی شامل ۱- تخصیص بودجه برای جبران عقب ماندگی ۲- هموار کردن مسیر برای مشارکت خیرین ۳- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۴- بهره‌گیری از تجربیات از استان‌های موفق و عوامل فرهنگی- اجتماعی موثر شامل: ۱- برابر کردن فرصت‌ها برای همه اقشار جامعه ۲- توجه وافر والدین به تحصیل فرزندان خود ۳- همگام شدن آموزش با تغییرات اجتماعی ۴- بزرگ شمردن ارزش و جایگاه نقش مدرسه در جامعه می‌شود.

پیشنهادات اجرایی

۱- بازنگری در برنامه‌های درسی با رویکرد مهارت‌های قرن ۲۱

در برنامه‌های درسی، سهم واحدهای مبتنی بر تفکر انتقادی، کار تیمی، سواد رسانه‌ای و سواد دیجیتال افزایش یابد تا نیازهای نسلی که با فناوری و اطلاعات بی‌پایان روبه‌روست، پاسخ داده شود.

۲- استفاده از فناوری‌های هوشمند برای کاهش شکاف آموزشی

آموزش مجازی و ترکیبی باید به‌صورت هدفمند در مناطق محروم توسعه یابد؛ به‌گونه‌ای که عدالت آموزشی نه‌تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در تمام مناطق برقرار شود.

۳- تقویت پیوند میان آموزش و هویت اجتماعی نسل زد

محتوای آموزشی باید به ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی نسل جدید و دغدغه‌های آنان (هویت، تنوع، پایداری محیط‌زیست و عدالت جنسیتی) پاسخ دهد تا آموزش برای آنان معنادار شود.

۴- سیاست حمایت از نوآوری‌های آموزشی بومی

حمایت از مدارس و معلمان نوآور که روش‌های آموزشی متناسب با سبک یادگیری نسل زد را آزمایش می‌کنند، می‌تواند الگویی برای تحول منصفانه در نظام آموزشی باشد.

محدودیت‌های پژوهش

۱- وابستگی به برداشت‌های ذهنی مشارکت‌کنندگان

بخش قابل‌توجهی از داده‌ها بر اساس مصاحبه‌ها یا پرسشنامه‌ها گردآوری شده است. از آنجا که خودِ نسل زد یا معلمان ممکن است پاسخ‌های اجتماعی‌پسند ارائه دهند، امکان فاصله گرفتن داده‌ها از واقعیت وجود دارد.

۲-تفاوت‌های منطقه‌ای و فرهنگی در کشور

پژوهش حاضر نمی‌تواند تمام تنوع فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی ایران را پوشش دهد. در نتیجه، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به همه مناطق، با احتیاط باید صورت گیرد.

۳- سرعت بالای تغییرات اجتماعی و فناورانه

یکی از ویژگی‌های نسل زد، زیست در جهانی به‌شدت متغیر است. به همین دلیل، برخی نتایج و تحلیل‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت تحت تأثیر تحولات دیجیتال یا اجتماعی جدید قرار گیرند و پایداری طولانی‌مدت آن‌ها محدود باشد.

سپاس‌گذاری

با سپاس و قدردانی از مشارکت کنندگان گرامی که با راهنمایی‌ها و همکاری‌های خود، زمینه‌ی شکل‌گیری و تکمیل این پژوهش را فراهم ساختند

References

Adams M. (2016) “Pedagogical Foundations for Social Justice Education”. Teaching for Diversit Y and Social Justice, 27.

Alaghehband, A. (2019). Bublic administration, 30th Edition, Tehran: Ravan publication. [In Persian].

BaBadi Akasheh, Z., Sharif, S. M., & Jamshidian, A. (2010). Providing and Extending Equal Opportunity and Educational Justice in Education in Isfahan, Social Welfare, 10(37): 287-305. [In Persian].

Bayat, Gh., & Ghasemi, M. (2020). Conceptualization of Justice in Iranian Educational System: A Case Study of Elementary and Secondary Schools' Text Books, Majlis & Rahbord, 26 (100), 7-46. [In Persian].

Bourdieu,P.(1986).The forms of capital.in J.richardson(Ed), Handbook theory and research for the sociology of education (pp.241 -258). New York, NY:Greenwood Press.

Bozkurt, M., & Ozturk, F. (2022). Qualitative Research in Social Sciences: A Research Profiling Study. Educational Policy Analysis and Strategic Research, 17(1), 247-277.

Brighouse, H., & Swift, A. (2014a). The Place Of Educational Equality In Educational Justice. In K. Meyer (Ed.), Education,Justice And The Human Good. Fairness And Equality In The Educational System (Pp. 14–33). London, UK: Routledge.

Danaee Fard, H, Torabzadeh Jahromi, M S. (2017). An Analysis of the Coherence of the Theory of Justice in Educational Policies of the Islamic Republic of Iran Appraisal Appraisal Approach. Strategic Management Thought Research, 11 (1): 73-108.(Persian).

Dump,Jenn(2020) DIMENSIONS OF EDUCATIONAL JUSTICE: PRACTICES, RECIPROCITY, AND INDIVIDUAL DEVELOPMENT , Published By Proquest LLC (Proquest). Copyright Of The Dissertation Is Held By The Author.

Evans, w., Junyoo, M., & sipple, J. (2010). School bulding quality effects are exacerbated by high levels of student mobility. Journal of frviron mental psychology, 239 - 244.

Ezer, F., & Aksut, S. (2021). Opinions of Graduate Students of Social Studies Education about Qualitative Research Method. International Education Studies, 14(3), 15-32.

Ghoraishi Khorasgani, M. S Nazarzadeh Zare, M .,Bahrami3, B). 2021). Investigating the Situation of Educational Equity in the Public Schools in Tehran. Journal of School Administration. Vol 9, No 1.

Kumar, A. (2018). Justice And Politics In Energy Access For Education, Livelihoods And Health: How Socio-Cultural Processes Mediate The Winners And Losers. Energy Research & Social Science. 40. 3-13.

Mohammadi M A, Dehghan H. (2003). Education and New Discourses. Tehran: Research Institute of Education. (Persian)

Mohammadi M A, Dehghan H. (2003). Education and New Discourses. Tehran: Research Institute of Education. (Persian).

Natow, R. S. (2022). Policy Actors' Perceptions of Qualitative Research in Policymaking: The Case of Higher Education Rulemaking in the United States.Evidence & Policy: A Journal of Research, Debate and Practice, 18(1), 109-126.

Sango, A. Noomeli, M. Mahasti Jouibari, L. (2011). Explaining Educational Justice in Medical Students: A Viewpoint and Experiences of Medical Students. Journal of Horiz Medical Education Development, 4 (3): 44-33. (Persian).

Sarmad, Zohreh, Bazargan, Abbas & Hejazi, Elaheh (2017). Research methods in behavioral sciences. Tehran: Aghaz. [in Persian].

Shields, Liam, Anne Newmanand Satz, Debra (2017) "Equality Of Educational Opportunity", The Stanford Encyclopedia Of Philosophy (Summer 2017 Edition), Edward N. Zalta (Ed.), URL Https://Plato.Stanford.Edu/Archives/

ShirKarami, J., Bakhtiarpour, S. (2014). Evaluating educational inequalities in attaining educational opportunities: A case study of Dehloran`s elementary schools in the academic year 2011-2012. Journal of Instruction and Evaluation, 7(26), 41-58.

ShirKarami, J., Bakhtiarpour, S. (2014). Evaluating educational inequalities in attaining educational opportunities: A case study of Dehloran`s elementary schools in the academic year 2011-2012. Journal of Instruction and Evaluation, 7(26), 41-58.

UNESCO (2017) A Guide For Ensuring Inclusion And Equity In Education. The United Nations Educational, Scientific And Cultural Organization.

Yamani, N,. Shaterjalali, M,. & Eghbali, B.)2017(. Educational justice from the perspective of postgraduate students in a medical school in Iran: qualitative study. Reserch and Development in medical Education(RDME), 6(1), 23-2.

Yamani, N., Shaterjalali, M., & Eghbali, B. (2017). Educational justice from the perspective of postgraduate students in a medical school in Iran: A qualitative study, Res Dev Med Educ, 6(1): 23-28. [In Persian].

Zareie, M. , Salimi , M., Abdolahi, M(2024). dentifying the components of virtual education based on educational justice.” Exaltation of Pedagogy and Instruction, vol. 2, no. 2, 2024, pp. 51-82. https://doi.org/10.71588/eetj.2023.1101386

Analyzing factors affecting development and equality in education to achieve educational justice

Negin Gholami [1]*, Shoaib Vaisi[2]

Abstract

Objective: The present study aims to investigate the effective factors for development and equality in order to achieve educational justice.
Method: The qualitative research method was conducted using the interpretive paradigm. The lived experiences of 16 participants in the study, including 6 professors, 7 teachers and administrators, 3 heads of education departments, and school educational and administrative staff, were used. Sampling was carried out in a purposive and criterion-based manner with a theoretical saturation criterion. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using the phenomenological method and an interpretive approach of Smith's type, and the validity of the data was carried out through verifiability, transferability, believability, and reliability.
Findings: The results showed that the factors affecting the development and achievement of educational justice were divided into two categories: 1- Effective infrastructural factors, which include allocating special funds to compensate for backwardness, paving the way for the participation of donors, technical and vocational training, and benefiting from the experiences of successful provinces, and effective socio-cultural factors, which include: equalizing the opportunity for participation for all segments of society, parents' close attention to the importance of their children's education, keeping pace with social changes, and magnifying the value and position of the role of school in society.
Conclusion: The results of this study explain the fact that the realization of educational justice is not a one-dimensional action, but requires a strategic link between infrastructural factors and socio-cultural factors. While the development of infrastructure paves the way, cultural richness and sustainable social participation guarantee the continuation of this justice; Therefore, to overcome educational inequalities, policymakers must adopt an integrated model based on the simultaneous strengthening of resources and social values.
Keywords: Educational justice, development and equality, education, social justice

[1]. Assistant Professor of Specialized Law, Department of Legal Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.
[2]. PhD student in Educational Management, Department of Educational Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.